

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

والنتین کاتاسانوف* - (Valentin Katasonov)

ترجمه توسط ا. م. شیرینی

۲۳ جنوری ۲۰۱۶

بازار نفت را کارتل‌های بانکی مدیریت می‌کنند، نه اوپک

سال جدید با سقوط بی سابقه شاخصها و قیمتها در بازارهای مالی و کالاها آغاز گردید. رکورد جدید در بازار نفت نیز ثبت شد. از ماه جولای سال ۲۰۱۴ تا پایان سال ۲۰۱۵ بهای این منبع انرژی ۷۰ درصد کاهش یافته است. به نظر می‌رسد به آخر خط رسیده، اما در هفته گذشته قیمت نفت ۱۰ درصد دیگر نیز نسبت به همه دوره مورد نظر پائین آمد. دلالتان اساساً بر این باورند، که احتمالاً قیمت هر بشکه نفت به کمتر از ۳۰ دلار خواهد رسید.

آمار گردآوری شده توسط بلومبرگ مبتنی بر شاخص ترکیبی نفت و گاز نشان می‌دهد که ۶۰ کمپانی نفتی بزرگ جهان در اثر کاهش قیمت در عرض هفته اول سال جدید در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار ضرر کرده است. بر اساس شاخص بلومبرگ، رویال داچ شل بزرگترین کمپانی نفتی اروپا، ۵ و ۷ دهم درصد، گروه بی جی ۶ و ۴ دهم درصد، سنوپیک، بزرگترین شرکت پالایش نفت آسیا ۷ و ۶ دهم درصد و شرکت نفت چین، دومین کمپانی نفتی بزرگ جهان ۶ و ۸ دهم درصد از دست داده است.

بحث داغ پیرامون دلیل کاهش بی سابقه قیمت طلای سیاه از مدتها پیش ادامه دارد. کمتر کسی مثل گذشته‌ها بر این باور است که چنین افت قیمت نتیجه "طبیعی" تغییر شرایط بازار می‌باشد. زیرا، تقاضا برای نفت بسیار کمتر از عرضه آن است و کمی تقاضا به سهم خود، موجب تضعیف فعالتهای اقتصادی اکثریت کشورهای جهان گردیده است. واقعاً هم، رکود فعالتهای اقتصادی مشاهده می‌شود، اما آن، تعادل میزان عرضه و تقاضا را هنگام افت چند برابری قیمت در حد چند درصد تغییر می‌دهد.

اغلب اقدامات عربستان را به مثابه دلیل افت قیمت نفت در بازارهای جهانی ذکر می‌کنند. واقعاً هم این کشور به طور یکجانبه (بدون توافق در چهارچوب اوپک) میزان استخراج نفت خود را افزایش داد و در راه آزادسازی نفت گام نهاد تا خود را به عنوان ارباب بازار جهانی طلای سیاه تعریف کند. این وضع ممکن است قیمت هر بشکه نفت را تا چند دلار کاهش دهد، اما میزان عمومی سقوط قیمت (اگر از بهای حداکثری آن در سال ۲۰۰۸ حساب شود)، در حدود ۱۰۰ دلار در هر بشکه بوده است. اما اگر بر مبنای قیمت متوسط سال ۲۰۱۴ تقریباً برابر ۱۰۰ دلار (نفت برنت) محاسبه کنیم، در این حال، در آغاز سال ۲۰۱۶، قیمت هر بشکه نفت ۷۰ دلار کاهش یافته است. فقط همه کشورهای صادرکننده نفت (اعضای اوپک باضافه روسیه و دو -سه کشور دیگر) می‌توانند از عهده تحرک این بازار برآیند.

عامل اوپیک، سازمانی را که کارتل نفتی نامیده می شود، امروزه تقریباً هیچ یک از کارشناسان جدی مهم حساب نمی کنند. طبیعتاً، تردیدی نیست، که بازار نفت را دستکاری می کنند. ایجاد ذخیره کالائی، یکی از روشهای سنتی دستکاری بازار است. بسیاری از کشورهای جهان، در وهله اول، امریکا طلای سیاه ذخیره می کند. فروش کالاهای موجود می تواند باعث کاهش قیمت شود. فروش ذخایر امریکا نیز نقش داشت، اما تأثیر چنین فروشها بسیار کوتاه مدت است و افت قیمت بیش از چند دالر در هر بشکه نفت نخواهد بود.

در روزهای آخر سال ۲۰۱۵ رسانه ها مطالب زیادی در خصوص نوسانات شدید در بازار نفت در نتیجه اقدامات کارتلهای بانکی منتشر نمودند. مقاله **مایکل مک دونالد**، کارشناس امریکائی اقتصاد که در آن گفته می شود که بازار طلای سیاه را نه اوپیک، بلکه کارتلهای بانکی با استفاده ابزاری از اعتبارات انرژی شرکتی صنایع نفتی و سایر عرصه های انرژی مدیریت می کنند، یکی از اولین آنها بود. بنا به نوشته مک دونالد، جمع کل وامهای معوقه بخش انرژی امریکا (صنایع نفت و گاز) ۴ تریلیون دالر است. در حالی که بانکهای امریکا تقریباً ۴۵ درصد، بانکهای خارجی ۳۰ درصد، مؤسسات غیربانکی مانند صندوق تأمین اجتماعی ۲۵ درصد این وامها را باز پرداختند. بر اساس گزارشات، در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۵، در ترازنامه سیتی گروپ - ۲۲ میلیارد دالر وام انرژی، جی پی مورگان چیس - ۴۴ میلیارد، بانک امریکا - ۲۲ میلیارد، ولس فارگو - ۱۷ میلیارد دالر وام ثبت شده است.

نتیجه گیری اول مک دونالد را می توان قبول کرد: آری، اوپیک از مدتها پیش بازار نفت را مدیریت نمی کند. می توان آن را نیز پذیرفت که بازار نفت را بانکهای تشکیل دهنده کارتل اداره می کنند. اما استنتاج سوم مبنی بر این که اعتبارات انرژی به مثابه ابزارهای مدیریت عمل می کنند، جای تردید دارد.

خود مک دونالد داده هائی را که بر اساس آنها نتیجه گیری نموده، برشمرده است. نویسنده می گوید، که اعتبارات انرژی مجموعاً ۳ درصد از کل میزان بازار وام امریکا را تشکیل می دهد. سهم اعتبارات انرژی در اوراق بهادار بانکهای مختلف امریکا به ترتیب زیر است: سیتی گروپ - ۶ و ۱ دهم درصد؛ جی پی مورگان چیس - ۵ و ۶ دهم درصد؛ بانک امریکا - ۲ و نیم درصد؛ ولس فارگو - ۱ و ۹ دهم درصد. اینها هم به منظور ایجاد تحول جدی در بازار نفت و دیگر حاملهای انرژی کم به نظر می رسند. روشن است که انرژی اولویت اصلی سیاست اعتباری بانکهای وال استریٹ را تشکیل نمی دهد. وامهای فرضی بانکی می توانند وسیله اجرای سیاست ساختاری بلند مدت باشند. برخی کارشناسان به این موضوع اشاره می کنند، که افت قیمت نفت "طولانی مدت و جدی" خواهد بود. در این حال، چنین نظرات باید بر آمار سرمایه گذاری در توسعه انواع انرژی های جایگزین نفت سنتی استوار باشد، اما چنین مدرکی موجود نیست. بانکها حداقل در سالهای اخیر اعطای وام به طرحهای این انرژی سبز را در حد چندان قابل توجهی افزایش ندادند.

بر اساس این نتیجه گیری به نظر می رسد که افت قیمت طلای سیاه از دستکاری قیمتها ناشی می شود. وامهای بانکی نمی توانند به عنوان ابزار چنین دستکاری عمل کنند. وامها، البته که، روی قیمتها تأثیر می گذارند، اما اثر وام با تأخیر زمانی چند ساله ظاهر می شود. اما دستکاری بلافاصله یا حداکثر پس از چند هفته تأثیر قیمتی ایجاد می کند. مک دونالد تصریح می کند که بانکها بودجه صنایع نفت را سال گذشته محدود نمودند، و احتمال دارد در سال ۲۰۱۶ هم به این کار ادامه دهند. اما در این حال می توان انتظار داشت که به عکس، قیمت طلای سیاه افزایش بیابد. زیرا، محدودیتهای اعتباری باعث کاهش عرضه نفت می گردد.

بانکهای بزرگ بازار نفت را دستکاری می کنند. آنها این کار را به واسطه قراردادهای پیش خرید نفت و دیگر ابزارهای مشتقی (مشتقات) وابسته به نفت انجام می دهند. به شکلی متناقض، اما قیمت روز (معامله نقطه) بر اساس قیمت تحویل در آینده (مثلاً، پس از یک سال) مشخص می شود.

اما قیمت آینده در نتیجه به اصطلاح انتظار تعیین می گردد. "انتظار" نیز به نوبه خود، به واسطه مؤسسات رتبه بندی، انجمن متخصصان و رسانه های جمعی شکل داده می شود. همه آنها را بانکهای بزرگ مدیریت می کنند. بانکها "انتظار" مورد نظر خود را سفارش می دهند.

توسعه بازار "نفت کاغذی" از اواخر دهه ۷۰ قرن گذشته در جهان آغاز گردید، یعنی، بازار قراردادهای آینده، که به عرضه فزینی نفت ختم نمی شود. از این قماربازی سوداگران، تمامی تولید، تصفیه و استفاده کنندگان نفت و محصولات نفتی در بخش اقتصاد آسیب می بینند. امروز گردش بازار "نفت کاغذی" دهها برابر بیشتر از گردش بازار فزینی نفت است. حجم معاملات قراردادهای آینده در دو بازار بزرگ بورس NYMEX - نیویورک و ICE لندن - به ۱۰ برابر بیشتر از مصرف سالانه نفت در جهان رسید.

همه بازارهای مشتقات مالی را بانکها، مقدم بر همه، بانکهای وال استریت، و همچنین، چند بانک بزرگ لندن سیتی و قاره اروپا مدیریت می کنند. بازار "نفت کاغذی" نیز از این قاعده مستثنی نیست. بر اساس برآورد دانشکده اقتصاد جهانی و روابط بین الملل فرهنگستان علوم روسیه، ۹۵ درصد بازار جهانی مشتقات مالی را بانکهای امریکا اداره می کنند.

گلدمن ساکس، جی پی مورگان چیس و دیگر بانکهای معظم که از نفت آینده اول - برای افزایش سود از نوسان قیمت نفت، دوم - به منظور تداوم فعالیت خود به مثابه واسطه های مالی استفاده می کنند، بزرگترین صاحبان موقعیت در بازار مشتقات نفتی بوده و بازیگران نفت فزینی اعم از شرکتهای تولید کننده نفت، پالایشگاهها، شرکتهای هواپیمایی و غیره و همچنین، بازیگران مالی، از جمله، صندوقهای سرمایه گذاری مشتریان بانکها هستند. بسیاری از بانکهای بزرگ به منظور افزایش تأثیر موقعیت انحصاری خود در بازار "نفت کاغذی"، حتی از انجام معاملات نفت فزینی نیز اجتناب نکردند (واضح است که چنین بانکها با برنامه ریزی قیمت طلای سیاه در مقابل بازیگران به اصطلاح بازار آزاد امتیازاتی بدست می آورند). بانک فدرال رزرو در سال ۲۰۰۳ به بانکها اجازه داد در نقش معامله گران عمل نمایند. جی پی مورگان، مورگان استنلی، گلدمن ساکس، سیتی گروپ و یکسری بانکهای بزرگ به تجارت نفت فزینی مشغول شدند.

بحران مالی سالهای ۲۰۰۷ - ۲۰۰۹ تا حد زیادی به این دلیل شروع شد که بازار مشتقات مالی از زیر نظارت تنظیم کننده های مالی خارج گردید و غولهای بانکی امریکا به جست و خیز پرداختند. بانک فدرال رزرو، کمیسیون اوراق بهادار و وزارت دادگستری امریکا، تنظیم کنندگان مالی اروپا برای برقرار نظم عمومی در بازار مشتقات سعی کردند. در سال ۲۰۱۰ در امریکا قانون داد - فرانک (Dodd-Frank) تصویب گردید که جهت سختگیرانه تر تنظیم بازار مالی را نشان می داد. اما این قانون جنبه قالبی داشت و برای اجرای عملی نیازمند تصویب تعداد بیشتر قوانین و مقررات خاص بود.

فعالیت بانکهای وال استریت و بانکهای بزرگ اروپا در آستانه و هنگام بحران سالهای ۲۰۰۷ - ۲۰۰۹ از چند سال پیش در امریکا تحت رسیدگی می باشد. ارتباط عملیات بانکی آنها با بازار نفت آینده و نفت فزینی آشکار گردید. در سال ۲۰۱۲ رسیدگی به فعالیت بانکهای گلدمن ساکس، مورگان استنلی و جی پی مورگان در خصوص دستکاری قیمت های مواد خام (از جمله، نفت) شروع شد و در سال ۲۰۱۴ علیه بانکهای نامبرده اتهامنامه مستدل صادر گردید.

هنوز بانکهای بزرگ همانطور که بودند، همچنان در بازار مشتقات مالی، من جمله، در بازار نفت آینده فعالیت می کنند. بدین سبب، باید برای آن آماده بود، که "بازار" نفت کما فی السابق در کنترل کلاهبرداران بند باز خواهد ماند. در پایان لازم به گفتن است، که بانکهای بازی کننده با قیمت طلای سیاه واقعاً در کنترل سازمان یافته اند. اما این کارتل به معنای کارتل ویژه ای که فعالیت آن به بازار یک کالا محدود باشد، نیست. این کارتل جهانی با عنوان رسمی "ساختار فدرال رزرو امریکا" نامیده می شود. ماشین ضرب پول در اختیار دارد، پول جهانی (دالر -دالر) تولید می کند، بانکهای سهامدار نظام فدرال رزرو همه بازارهای مالی و بخش اعظم بازارهای کالا را به طور مؤثر کنترل می کنند.

*پروفسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهشهای اقتصادی "سرگنی فیودوویچ شاراپوف" روسیه

<http://www.fondsk.ru/news/2016/01/12/ryнком-nefti-upravljajet-ne-opek-a-bankovskij-kartel-37941.html>

۳ بهمن -دلو ۱۳۹۴